

تأثیر روش فعال حل مسئله بر تعارضات زناشویی در شهر یاسوج

یوسف رسولی*، عنایت الله فلاحت

گروه علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، پردیس شهید ایزدپناه یاسوج، یاسوج، ایران

تاریخ پذیرش: ۹۲/۴/۳

تاریخ دریافت: ۹۲/۳/۱۰

چکیده

زمینه و هدف: تعارض زناشویی نوعی فقدان توافق مداوم و معنی‌دار بین دو همسر است که پیامدهای ناگواری را برای زوجین و خانواده‌ها ایجاد می‌کند و زمینه فروپاشی خانواده را به وجود می‌آورد. هدف این مطالعه، بررسی تأثیر روش فعال حل مسئله بر تعارضات زناشویی در شهر یاسوج بود.

روش بررسی: در این مطالعه مورد-شاهدی از همسران دارای تعارض در شهر یاسوج که به مرکز مشاوره خانواده یاسوج مراجعه کرده بودند، تعداد نمونه ۴۰ نفر (۲۰ زوج) به صورت تصادفی ساده انتخاب شده و به دو گروه مساوی مورد و شاهد تقسیم شدند. برای افراد گروه مورد ۶ جلسه ۴۵ دقیقه‌ای حل مسئله برگزار شد. ابزار اندازه‌گیری پرسشنامه تعارضات زناشویی بود. برای تحلیل معنی‌دار بودن تفاوت میانگین‌ها از آزمون تحلیل کوواریانس چند متغیری (مانوا) استفاده شد.

یافته‌ها: میانگین نمرات تعارض زناشویی گروه مورد (۱۰۴/۴)، کمتر از میانگین گروه شاهد (۱۱۹/۱۴) بود، همچنین در سایر مقیاس‌های فرعی (همکاری، رابطه جنسی، واکنش هیجانی، حمایت فرزندان، رابطه با خویشان خود، رابطه با خویشان همسر و امور مالی) میانگین نمرات تعارض گروه مورد کمتر از میانگین گروه شاهد بود ($p < 0/01$).

نتیجه‌گیری: آموزش به شیوه حل مسئله باعث کاهش تعارضات زناشویی در زوج‌ها می‌شود. در شیوه حل مسئله، با شناخت و بررسی دقیق اختلافات، شیوه‌های رویارویی و کنترل تعارضات در نظر گرفته می‌شود و در نهایت عملی‌ترین و کارآمدترین راه حل، انتخاب و اجرا می‌گردد.

واژه‌های کلیدی: روش فعال، حل مسئله، تعارضات زناشویی

*نویسنده مسئول: یوسف رسولی، یاسوج، دانشگاه فرهنگیان، پردیس شهید ایزد پناه، گروه علوم تربیتی

Email: rasolijosef@yahoo.com

مقدمه

کرد که تنها بخشی از عوارضی هستند که در

اثرتعارضات زناشویی به وجود می‌آیند(۲).

تعارض به طور طبیعی در تمام زمینه‌های

شغلی، تحصیلی، خانوادگی، ازدواج و در سطح فردی

و جمعی روی می‌دهد. روابط خانوادگی فشرده‌ترین

موقعیت برای تعارضات بین فردی است و روابط

عاطفی و عاشقانه زمینه را برای محک زدن جدی

مهارت‌های آموخته شده برای زندگی مهیا می‌کند.

تعارض وقتی بروز می‌کند که فرد بین اهداف، نیازها،

یا امیال شخصی خود و همسرش ناهمسازی و

ناهمخوانی می‌بیند. به طور کلی، طراوت و سلامت

خانواده تا اندازه‌ای به میزان تعارض در خانواده و

نوع تعارضی که تجربه می‌کنند، بستگی دارد(۳).

به عقیده گلدفرید^(۱) (۱۹۹۰) بود یا نبود تعارض

نیست که کیفیت ازدواج را تعیین می‌کند بلکه روش

اداره موقعیت‌های تعارض‌آمیز است که کیفیت رابطه

زناشویی را تعیین می‌کند. بنابراین، مهارت کلیدی در

روابط متعهدانه دراز مدت، مدیریت تعارض است(۴).

وقتی تعارض در رابطه زناشویی بروز می‌کند

معمولاً طرفین رابطه سعی می‌کنند رفتارها و اقداماتی

انجام دهند تا این تعارض از بین برود. تجارب، دانش،

باورها و ارزش‌های افراد، شیوه‌های مختلفی را برای

حل تعارضات پیش روی آنها می‌گذارد. این شیوه‌ها به

سبک‌ها و تاکتیک‌های حل تعارض موسومند.

سبک‌های حل تعارض در واقع پاسخ‌های الگوبرداری

بروز اختلاف و عدم تفاهم در خانواده امری

شایع است و هیچ خانواده‌ای از این امر مستثنی

نیست، اما گاهی این اتفاقات به تعارض‌های شدید

منجر می‌شود. امروزه خانواده‌ها درگیر انواع مختلفی

از تعارضات و اختلافات شدید هستند که این اختلافات

باعث عدم کارکرد خوب و سالم نهادی است که وظیفه

اصلی آن ایجاد روحیه و شخصیت سالم است.

تعارض عبارت است از عدم توافق و مخالفت دو فرد

با یکدیگر، ناسازگاری و همچنین ستیزه‌ای بین افراد

در اثر منافع ناهمسو و اختلاف اهداف و ادراکات

مختلف(۱).

تعارضات زناشویی نوعی ناسازگاری مداوم

و معنادار بین دو همسر است که حداقل به وسیله یکی

از آنها بروز داده می‌شود. منظور از معنی‌دار؛ یعنی

تأثیر این مسئله بر عملکرد همسران و منظور از مداوم

یعنی اختلافاتی که به مرور زمان از بین نمی‌رود.

زوج‌های متعارض از عادات و شخصیت همسر خود

ناراحت بوده و دارای مشکل ارتباطی در حوزه‌های

گوناگون هستند و پذیرش تفاوت‌های همدیگر برای

آنها دشوار می‌شود. در زمینه تأثیرات مخرب تعارض

زناشویی می‌توان به پیامدهای جسمی و روانی

گسترده‌ای از قبیل؛ خطر فزاینده انواع اختلالات

روانی مانند افسردگی، سوء مصرف مواد، ناکارآمدی

جنسی، مشکلات رفتاری، کاهش ایمنی بدن، افزایش

فشار خون، تصلب شرایین و درد ناشی از بیماری‌های

مزمن، همچنین پدیده‌ی خشونت و سرانجام طلاق اشاره

1- Goldfried

حل یا تصمیمی را که به ذهن وارد می‌گردد، بدون در نظر گرفتن درست یا نادرست بودن و مثبت و منفی بودن، آن را یادداشت کرد. مرحله چهارم؛ ارزیابی گزینه‌ها و انتخاب بهترین راه حل می‌باشد. طی این مرحله ما موظفیم که هر یک از گزینه‌های مرحله سوم را مورد قضاوت و ارزشیابی قرار دهیم. آنچه در مرحله سوم مهم بود، گزینه‌های متعدد بود و آنچه در این مرحله مهم است اندیشیدن به مزایا و معایب گزینه‌ها و کشف بهترین راه حل است. مرحله پنجم؛ اجرا و بازبینی راه حل‌ها است. در این مرحله راه حل‌های مفید و سودمند را انتخاب کرده و از میان آنها اولویت‌بندی نموده، برنامه زمان‌بندی را مشخص می‌کنیم و به اجرای راه حلی که اولویت داشته و مناسب و مفید است می‌پردازیم (۷ و ۵). در زمینه کاربرد روش مذکور در زوج درمانی می‌توان به این پژوهش‌ها اشاره نمود، آندرسون^(۱) (۱۹۸۹) به بررسی تأثیر آموزش حل مسئله در زوج‌های بسیار آشفته پرداخت. همه شش زوج تحت آموزش، طی درمان پیشرفت نمودند و در مطالعه‌ی پیگیری، پنج زوج تغییرات مثبت خود را حفظ نمودند. نزو^(۲) (۱۹۸۱) در مطالعه‌ای به بررسی تأثیر آموزش شیوه حل مسئله بر توانایی افراد در انتخاب راه حل مؤثر به این نتیجه رسید که آموزش حل مسئله، تأثیر تصمیم‌گیری درست را افزایش می‌دهد (۸).

شده هستند که افراد در هنگام تعارض به کار می‌برند و تاکتیک‌ها در واقع حرکات فردی هستند که افراد انجام می‌دهند تا نظر کلی خود را پیش ببرند. وقتی این تاکتیک‌ها به دفعات بسیار زیادی به کار می‌روند، تبدیل به سبک یا پاسخ الگوبرداری شده می‌شوند (۵). کاربرد آموزش حل مسئله در اواخر دهه ۱۹۶۰ و اوایل ۱۹۷۰ به عنوان بخشی از جنبش شناختی رفتاری برای اصلاح رفتار آغاز گشت. مهارت حل مسئله یکی از مهارت‌های زندگی است که به ما در حل مسایل فردی و اجتماعی کمک می‌کند و فرآیند تفکر منطقی و منظمی است که به فرد کمک می‌کند تا هنگام رویارویی با مشکلات، راه حل‌های متعددی را جستجو کند و سپس بهترین راه حل را انتخاب نماید. مراحل مهارت حل مسئله؛ مرحله اول، انتخاب رویکرد صحیح نسبت به مساله به این صورت که در ابتدا با خود فکر کنیم و آگاهانه بدانیم که دارای چه احساس و هیجانی هستیم. در این مرحله لازم است باورهای غلط نسبت به مساله شناسایی و اصلاح گردند. مرحله دوم؛ تعریف دقیق مساله که در این مرحله باید به سوال‌های زیر پاسخ داده شود؛ مشکل چیست؟ مشکل کی شروع شد؟ چه کسی در این مشکل نقش دارد؟ و این که باید مشکل به ابعاد کوچکتر و ساده تر شکسته شود. بدین ترتیب طی این مرحله لازم است که با بیان اهداف عینی و شفاف، تعریف دقیقی از مسئله ارائه دهیم. مرحله سوم؛ به دست آوردن راه حل‌های متفاوت (بارش مغزی) بدون ایجاد محدودیت برای ذهن یعنی این که، هر راه

1-Anderson
2-Nezu

باکوم^(۱) (۱۹۹۲) در مطالعه خود به این نتیجه رسید که حل مسئله در درمان تعارضات رفتاری زناشویی مؤثر است (۹). جانسون و گرینبرگ^(۲) (۱۹۹۵) تأثیر آموزش حل مسئله در بهبود اختلافات زناشویی را تأیید کردند (۱۰).

نتایج مطالعه قلیلی (۱۳۸۵) و هنر پروران (۱۳۹۰) و حسینی (۱۳۸۴) نشان داد که آموزش حل مسئله باعث کاهش تعارضات زناشویی در زوج‌ها می‌گردد (۶ و ۸). با توجه به نتایج پژوهش‌های مختلف، جهت کمک به کاهش تعارضات زناشویی، در همین راستا، هدف این مطالعه بررسی تأثیر شیوه حل مسئله در تعارضات زناشویی همسران شهر یاسوج بود.

روش بررسی

در این مطالعه مورد-شاهدی، جامعه مورد مطالعه شامل کلیه همسران دارای تعارض شهر یاسوج (۱۳۲ زوج) که به مرکز مشاوره خانواده و کلینیک دانش‌آموزی شهر یاسوج مراجعه نمودند، بود. تعداد نمونه این پژوهش ۴۰ نفر (۲۰ زوج) بودند که به شیوه تصادفی ساده انتخاب شده و به دو گروه مساوی مورد و شاهد تقسیم شدند.

ابزار اندازه‌گیری پرسشنامه تعارضات زناشویی (براتی و ثنایی) بود. این پرسشنامه دارای ۴۲ پرسش و برای سنجیدن تعارضات زن و شوهر به کار می‌رود و هفت بعد از تعارضات زناشویی را می‌سنجد که این ابعاد عبارتند از: همکاری، رابطه

جنسی، واکنش‌های هیجانی، جلب حمایت فرزندان، رابطه فردی با خانواده خود، رابطه با خویشان همسر و امور مالی و برای هر گزینه پنج پاسخ دارد (هرگز، به ندرت، گاهی، اکثراً، همیشه) که به هر گزینه از ۱ تا ۵ امتیاز تعلق می‌گیرد. نمره بالا، نشان دهنده تعارض زناشویی و نمره پایین، نشان دهنده روابط زناشویی بهنجار است. حداقل نمره ۴۲ و حداکثر ۲۱۰ می‌باشد. پایایی پرسشنامه از طریق ضریب آلفا ۰/۵۳ گزارش شده و از روایی محتوایی خوبی برخوردار است. نمره خام در دامنه ۷۰ تا ۱۰۴ دارای روابط زناشویی بهنجار و در دامنه ۱۰۵ تا ۱۳۴ دارای تعارض نابهنجار و دامنه ۱۳۵ و بالاتر، تعارض نابهنجار و شدید را نشان می‌دهد (۶ و ۷).

پس از انتخاب آزمودنی‌ها، پیش‌آزمون تعارض زناشویی از هر دو گروه (مورد-شاهد) به عمل آمد. سپس برای آزمودنی‌های گروه مورد، جلسات حل مسئله برگزار شد و برای گروه شاهد چنین جلسه آموزشی برگزار نگردید. دو ماه بعد از اتمام جلسات آموزش حل مسئله، از گروه‌های مورد و شاهد، پس‌آزمون تعارض زناشویی به عمل آمد.

تعداد جلسات آموزش حل مسئله شش جلسه و زمان هر جلسه حدود چهل و پنج دقیقه بود. شکل کلی جلسات حل مسئله به روش زیر اجرا گردید؛ جلسه اول: (جلسه تعارض زناشویی) تبیین ماهیت تعارض زناشویی، تعریف مقابله با تعارض، تشریح شیوه‌های ناسالم رفتار زناشویی. جلسه دوم: (جلسه

1-Baucom
2-Johnson & Greenberg

مورد(۱۰۴/۴) نسبت به گروه شاهد(۱۱۹/۱۴)، کاهش قابل ملاحظه‌ای داشت(جدول ۱).

در مقیاس تعارض زناشویی تفاوت بین گروه مورد و شاهد معنی‌دار بود ($p \leq 0/01$) و میزان معنی‌دار بودن آن ۰/۶ است.

در تمام مقیاس‌های فرعی آزمون تعارض زناشویی(همکاری، روابط جنسی، واکنش هیجانی، حمایت فرزندان، رابطه با خویشاوندان خود، رابطه با خویشاوندان همسر و امور مالی) میانگین نمرات افراد گروه مورد کمتر از گروه شاهد بود و بین گروه مورد و شاهد در تمام مقیاس‌های فرعی آزمون(همکاری، روابط جنسی، واکنش هیجانی، حمایت فرزندان، رابطه با خویشاوندان خود، رابطه با خویشاوندان همسر و امور مالی) تفاوت معنی‌دار بود ($p \leq 0/01$)(جدول ۲).

بحث

تعارض زناشویی نوعی فقدان توافق مداوم و معنی‌دار بین دو همسر است که پیامدهای ناگواری را برای زوجین و خانواده‌ها ایجاد کرده و زمینه فروپاشی خانواده را به وجود می‌آورد(۳). هدف این مطالعه، بررسی تأثیر روش فعال حل مسئله بر تعارضات زناشویی در شهر یاسوج بود.

شیوه حل مسئله و موانع حق و حقوق زن و شوهر، احترام به همسر، عدم ابراز احساسات، سرزنش، گوش نکردن به همسر، گفتگوی درونی. جلسه سوم:(جلسه مراحل حل مسئله) تشریح تعارض به عنوان یک مسئله و باورهای متداول آن، تعریف مسئله در قالب خواسته‌ها. جلسه چهارم:(جلسه مسئله سازی) بررسی راه حل‌های ممکن از طریق سیال‌سازی ذهنی، تعریف و بیان اصول سیال‌سازی ذهنی، انتخاب راه حل و چگونگی آن، مفهوم همراهی. جلسه پنجم:(جلسه اجرای راه حل) برنامه‌ریزی در مورد چگونگی اجرای راه حل، اجرای نقش و ارزیابی پیامدهای آن، شیوه برخورد با پیامدهای احتمالی. جلسه ششم:(جلسه مسائل متداول زوج‌ها) شیوه‌های برخورد با هیجانات و احساسات نیرومند، تشخیص زمان و مکان مناسب برای حل مسئله، روشهای مناسب برخورد با مقاومت همسر و دلایل عدم موفقیت(۵و۱).

داده‌های جمع‌آوری شده با نرم‌افزار SPSS و آزمون آماری تحلیل کواریانس، تجزیه و تحلیل شد.

یافته‌ها

بر اساس نتایج به دست آمده، مشخص گردید که میانگین نمرات تعارض زناشویی در افراد گروه

جدول ۱: مقایسه میانگین و انحراف معیار نمرات تعارض زناشویی در افراد گروه‌های مورد مطالعه

گروه	پیش آزمون	پس آزمون	سطح معنی‌داری
آزمایش	۱۱۴/۷۶±۱۶/۸۶	۱۰۴/۴±۱۵/۸۹	۰/۰۰۰۱
شاهد	۱۱۲/۹۴±۱۶/۱۱	۱۱۹/۱۴±۱۷/۸۷	۰/۰۰۰۱

جدول ۲: مقایسه میانگین و انحراف معیار نمرات مقیاس‌های فرعی در افراد گروه‌های مورد مطالعه

مقیاس	گروه	مورد	شاهد	سطح معنی‌داری
همکاری		۱۲/۹۶±۳/۳۸	۱۷/۱±۳/۵۷	۰/۰۰۰۱
روابط جنسی		۱۴/۳۷±۲/۸۷	۱۷/۴۵±۳/۲۲	۰/۰۰۰۱
واکنش هیجانی		۱۹/۸۷±۴/۲۱	۲۲/۵±۴/۹۷	۰/۰۰۰۱
حمایت فرزندان		۹/۷۶±۱/۹۵	۱۱/۱۴±۲/۴۵	۰/۰۰۰۱
رابطه با خویشاوندان خود		۱۲/۷±۳/۱۱	۱۶/۵±۲/۸۴	۰/۰۰۰۱
رابطه با خویشاوندان همسر		۱۴/۳۲±۲/۸۱	۱۷/۳۱±۳/۶۵	۰/۰۰۰۱
امور مالی		۱۴/۲۶±۲/۶۸	۲۵/۳±۴/۳۲	۰/۰۰۰۱

مشارکت جدی زوجها است و این جلسات، همکاری بین زوجها را افزایش می‌دهد (۱۶ و ۱).

در مقیاس روابط جنسی، میانگین نمرات تعارض گروه آزمایش کمتر از گروه گواه بوده است. این یافته با پژوهش‌های مارکمن و همکاران (۱۹۹۸) و هنرپروران (۱۳۸۹) و قلیلی (۱۳۸۶) هماهنگ بود (۱۷ و ۲). هنگامی که پیوند گرم و صمیمی زن و شوهر به دلیل وجود مشکلات به رابطه سرد و پر تعارض تبدیل شود، این مسئله خصوصی‌ترین رابطه آن‌ها (یعنی رابطه جنسی) تأثیر منفی خواهد گذاشت. روابط جنسی یکی از جنبه‌های زندگی زناشویی است که عوامل گوناگونی در بهبود و افت آن تأثیر دارد. از مؤلفه‌های رابطه جنسی مطلوب، ارتباط سازنده زن و شوهر است و مهارت آموزی ارتباطی، به طور

در این پژوهش مشخص گردید که میانگین نمرات تعارض زناشویی گروه آموزش حل مسئله کمتر از میانگین نمرات تعارض گروه شاهد است، یعنی روش حل مسئله باعث کاهش تعارضات زناشویی گردیده است. این یافته با نتایج پژوهش‌های کردک^(۱) (۱۹۹۵)، مارکمن^(۲) (۱۹۹۸)، شفیع‌نیسا (۱۳۸۱) و قلیلی (۱۳۸۶) هماهنگ است. کردک (۱۹۹۵) نشان داد استفاده از راهبردهای حل مسئله با رضایت زناشویی رابطه دارد (۱۵ و ۱۱).

در مقیاس همکاری، میانگین نمرات تعارض گروه‌های آزمایش کمتر از گروه شاهد بوده است؛ یعنی روش حل مسئله باعث همکاری بیشتر بین همسران گردیده و کاهش تعارضات را به وجود آورده است. این یافته با نتایج پژوهش‌های قلیلی (۱۳۸۶) و افخمی (۱۳۸۵) و توماس^(۳) (۲۰۰۰) هماهنگی دارد. جلسات حل مسئله مستلزم

1-Kurdeck
2-Markman
3-Tomias

اعضای خانواده دست بزنند. به نظر می‌رسد زوج‌هایی که به گونه‌ای سالم و سازنده گفتگو می‌کنند و در مواقع بروز مشکل، بدون سرزنش و رفتارهای ناکارآمد، به فرآیند حل مسئله می‌پردازند، نیازی به ائتلاف یا طرد دیگر اعضای خانواده ندارند. مرزهای زن و شوهر در این گونه ازدواج‌ها مشخص است و دیگر اعضای خانواده در منظومه زن و شوهری دخالتی ندارند.

در مقیاس روابط با خویشان خود و همسر، میانگین نمرات تعارض گروه آزمایش کمتر از گروه شاهد بوده است: یعنی روش حل مسئله تأثیر قابل ملاحظه‌ای در این مقیاس داشته است. این یافته با تحقیق افخمی (۱۳۸۵)، هنرپروران (۱۳۸۹)، حسینی (۱۳۸۴) و برنز^(۲) (۲۰۰۰) هم‌هنگی دارد و با تحقیق قلیلی (۱۳۸۴) ناهمسو است (۱۳۸۴). خانواده‌هایی که دچار تعارض زناشویی هستند معمولاً تلاش می‌کنند که علت عدم پایداری و امنیت در زندگی مشترک را خانواده زوج خود معرفی کنند و به همین دلیل باید از رابطه با آنها پرهیز نمایند. در جامعه ما تأثیر این عامل مشهودتر است، زیرا آداب و رسوم و عرف باعث ارتباط تنگاتنگ در جامعه ما شده است و بعضی مواقع همین امر باعث افزایش تعارضات خانوادگی می‌شود، هر چند این امر جنبه‌های مثبتی هم دارد. زوج‌های کارآمد ضمن حفظ

غیرمستقیم بر آن تأثیر می‌گذارد. مهارت و توانایی اداره آن، نیاز به تدبیر و تفکر دارد.

در مقیاس واکنش‌های هیجانی، میانگین نمرات تعارض در گروه آزمایش کمتر از گروه شاهد بوده است؛ یعنی روش حل مسئله تأثیر قابل توجهی در کاهش واکنش‌های هیجانی مخرب داشته است. این یافته با تحقیقات حسینی (۱۳۸۴) و قلیلی (۱۳۸۶) و هال فورد^(۱) (۲۰۰۰) هم‌هنگی دارد (۱۸ و ۱). شاید بتوان گفت اولین قدم در همه مسائل زندگی حتی ساده‌ترین آنها، تفکر و تعقل کردن است که اگر افراد در مواجهه با مشکل فوراً پاسخ دهند ممکن است وقت کافی برای پاسخ‌های شناختی وجود نداشته باشد، لذا به نظر می‌رسد که شیوه حل مسئله در تعدیل بروز واکنش‌های هیجانی مؤثر می‌باشد. یکی از مشخصه‌های موقعیت‌های مسئله آفرین، واکنش هیجانی افراد است. عقیده این است که اولین قدم در مواجهه با مسائل زندگی باید فکر کردن و تفکر باشد نه اعمال احساسات صرف. اگر افراد در مواجهه با مشکل فوراً پاسخ دهند، ممکن است وقت کافی برای پاسخ شناختی و ادراکی نداشته باشند. لذا شیوه حل مسئله در تعدیل بروز واکنش‌های هیجانی زوج‌ها مؤثر است.

در مقیاس حمایت از فرزندان، میانگین نمرات تعارض گروه آزمایش کمتر از گروه شاهد بوده است. این یافته با تحقیق قلیلی (۱۳۸۶) و حسینی (۱۳۸۴) و هنرپروران (۱۳۸۹) هم‌هنگی دارد (۱۸ و ۱). گاهی ممکن است زوج‌ها هنگام اختلاف، به ائتلاف یا طرد دیگر

1-Haldford
2-Bernez

ملاحظه‌ای داشته است. مهارت حل مسئله، یکی از مهارت‌های زندگی است که به ما در حل مسایل فردی و اجتماعی کمک می‌کند و فرآیند تفکر منطقی و منظمی است که در هنگام رویارویی با تعارضات، با شناخت و بررسی دقیق آنها، شیوه‌های رویارویی و کنترل تعارضات را در نظر گرفته و در نهایت عملی‌ترین و کارآمدترین راه حل، انتخاب و اجرا می‌گردد.

تقدیر و تشکر

از مسئولین مراکز مشاوره خانواده و کلینیک دانش‌آموزی شهر یاسوج به دلیل حمایت مالی و همه همکاران مشاور که نهایت همکاری علمی و پژوهشی را مبذول داشته‌اند، کمال تقدیر و تشکر را داریم.

احترام به والدین خود و همسر و رعایت عرف مذهبی و فرهنگی، مرزهای منظمه زن و شوهری را از منظومه والدینی خود مستقل و متفاوت می‌دانند. چنین زوج‌هایی، برای همسر و زندگی مشترک خود اولویت خاص قائل هستند.

در مقیاس امور مالی، میانگین نمرات تعارض گروه آزمایش کمتر از گروه شاهد بوده است؛ یعنی روش حل مسئله باعث کاهش تعارضات خانوادگی در امور مالی گردیده است. این یافته با تحقیق محمدیان (۱۳۷۳) و قلیلی (۱۳۸۶) و حسینی (۱۳۸۴) هماهنگی دارد (۱۶). از آنجا که تعارضات زناشویی احساس ناامنی در خانواده را افزایش می‌دهد، زن و شوهری که با هم مشکل دارند، تلاش می‌کنند با حفظ توان مالی و پس‌انداز شخصی، این احساس ناامنی را در خود کاهش دهند و می‌کوشند تا از لحاظ مالی مستقل باشند. زن و شوهری که دید اشتراکی نسبت به زندگی زناشویی ندارند و میزان همسبستگی آنها با یکدیگر و به رابطه زناشویی اندک است، معمولاً به فکر جدایی کامل مالی بدون در نظر گرفتن منافع مشترک هستند. گاهی این افراد، امور مالی خانواده را کاملاً در دست خود می‌گیرند و اجازه دخالت همسر خود را، در این امر نمی‌دهند و یا این که فقط به نفع شخص خود در مسائل اقتصادی می‌اندیشند.

نتیجه‌گیری

به طور کلی می‌توان نتیجه گرفت که روش حل مسئله در کاهش تعارضات زناشویی تأثیر قابل

REFERENCES:

- 1.Hosseini F. Comparison of Parental marital conflict with marital conflict of Their married children. *Journal of Educational new Thought* 2005;12(1): 81.
- 2.Qalili Z. Effectiveness of problem- solving learning approach to reduce marital conflict . *Journal of Applied Psychology* 2007; 3: 31-9.
- 3.Afkhami E, Bahrami F, Fatehizadeh M. Study of relationship between acquittance and marital conflict in Yazd Province . *Journal of Family Research* 2007; 9(3): 26.
- 4.Shafienia A. Study of effects of marital conflict Solving skills to improve interactions couple. Master's Thesis Consultation. Alzahra University: Faculty of Educational Sciences; 2002; 256.
- 5.Brucejoyce R, Weil M, Calhoun E. Models of teaching in the high school classroom. Boston 2004; 513-517.
- 6.Barati T. The impact of marital conflict on interaction couple. Master's Thesis Consultation. *Journal of Roudehen Islamic Azad University* 1996; ۶(2): 53-61.
- 7.Sanaei B. Measures Scales of family of marriage. *International Journal of Psychology and Psychiatry* ۲۰۱۳:1(2):35-42.
- 8.Honarparvaran N, Qadri Z, Ghobadi K. Comparison of communication patterns and marital conflict between Married women employed in state banks and Housewives in Shiraz city. *Science - Research Journal Of Women Sociology* 2011; 3(2): 103-20.
- 9.Baucom D. A comparison of behavioral contracting and problem solving communication training in behavioral martial therapy . *Behavior Therapy* 1982; 13: 162-74.
- 10.Gee B, Scott L, Cordova V. Predicting 2 year marital satisfaction from partner's discussion of their marriage checkup. *Journal of Marital and Family Therapy* 2000; 21 (3) :212.
- 11.Gottman J. A theory of marital dissolution and stability. *Journal of Family Psychology*: 1993; 1: 57-75.
- 12.Hahlweg K, Markman H. Effectiveness of behavioral marital therapy. Empirical statues of behavioral techniques in preventing and alleviating marital distress. *Journal of Consulting and Clinical Psychology* 1989; 56(3): 440-7.
- 13.Jacobson C. Integrative couple therapy. Acceptance and change. *Journal of Consulting and Clinical Psychology* 1996;(59): 547-57.
- 14.Jacobson N, Anderson E. The effects of behavior rehearsal and feed back on the acquisition of problem solving skills in distressed and non distressed couples. *Behavior Research and Therapy* 1998; 18: 25-36.
- 15.Ahmadi KH. The efficacy of change of family on decrising marital conflict . *Journal of The First Cogress Of Family Pathology In Iran Tehran* 2000;(1):56-67.
- 16.Baghban A, Moradi M. The efficacy of family therapy on marital conflict in divorce request. *Qartely Of Science & Research* 2003;16: 32-47.
- 17.Ezedi Z. Marriage & marital adaptation. *Happiness Magazine* 2006; 5: 32.
- 18.Fatehzadeh M, Ahmadi A. The relationship between communication pattern and marital satisfaction in employed couple . *Qartely of Family Research* 2005; 1(2): 26.
- 19.Hashemi H, Khorshid M, Hassan I. marital adjustment, stress And sepresstion among working and non- working married women. *Journal of Consulting and Clinical Psychology* 2007; 59: 458-63.

The Effect of Active Method of Problem Solving on Marital Conflicts in Yasuj, Iran

Rasoli Y*, Falahat E

*Department of Educational Sciences Farhangian University, Shahid Izadpanah Pardis, Yasuj, Iran

Received: 31 May 2013

Accepted: 25 June 2013

Abstract

Background & aim: Marital conflicts are a lack of continuous and significant agreement between two spouses that provide unpleasant consequences for couples and families and create background for family breakdown. The Purpose of this study was to investigate the effects of marital conflict problem solving methods in Yasuj. Iran.

Methods: In the present study, from all couples who had marital conflict referred to family counseling in Yasuj, Iran. 40 subjects (20 couples) were selected and randomly divided into two experimental and control groups. Measuring tools for marital conflict was questionnaire. A multivariate analysis of covariance (MANOVA) was used to analyze the significance of difference between the experimental and control groups.

Results: The mean scores of marital conflict test group was (4/104), below the mean of control group (14/119). Whereas in other sub-scales (cooperation, sexuality, emotional response, protection of children, relationship with relatives, relationship with wife's relatives and finance) the mean scores of experimental group was lower than controls ($p < 0.01$).

Conclusion: The method of the problem solving reduced the marital conflict of couples. In the method of solving problem with understanding and investigation of differences, the method of encounter and marital conflicts are considered. At the end, the most practical and efficient solution will be chosen and carried out.

Keywords: Active Method, Problem Solving, Marital Conflict

*Corresponding Author: Rasoli Y, Department of Educational Sciences Farhangian University, Shahid Izadpanah Pardis, Yasuj, Iran
Email: rasoliyosef@yahoo.com